

بررسی تأثیر گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از

سیستم معادلات هم‌زمان

اصغر سپهیان قره بابا^۱

سعید طهماسبی خورنه^۲

چکیده

مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت، نقش به‌سزایی در رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایفا می‌کند. سازمان امور مالیاتی به عنوان متولی وصول قانونی درآمدهای مالیاتی کشور، با موضوع گریز مالیاتی مؤدیان مواجه است. انحراف مالیات ابرازی مؤدیان از مالیات قطعی شده آنان، می‌تواند مصداقی از گریز مالیاتی باشد که به نوبه خود تأثیرات مخربی بر اقتصاد کشور وارد می‌کند. گریز مالیاتی می‌تواند کیفیت افشای اطلاعات شرکتی را تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود. بر این اساس تبیین ارتباط بین این رفتارها و چگونگی ارتباط میان این متغیرها می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. از این‌رو در این پژوهش به بررسی تأثیر هرکدام از این متغیرها بر دیگری به‌طور هم‌زمان پرداخته شده است و همچنین اثر مستقیم گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی مورد سنجش قرار گرفته شده است. برای این منظور ۵۲۰ سال-شرکت (۱۰۴ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳) انتخاب شده و تأثیر هم‌زمان گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی با روش معادلات هم‌زمان عطفی و تأثیر مستقیم گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از رگرسیون ترکیبی مورد آزمون قرار گرفته شده است. در این پژوهش گریز مالیاتی از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، کیفیت افشای اطلاعات بر اساس نمره افشای شرکت‌های بورسی و عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش، کمی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گریز مالیاتی تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشا دارد و همچنین کیفیت افشای اطلاعات نیز تأثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد و از سوی دیگر گریز مالیاتی اثر مثبت و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، مدیران واحدهای تجاری، سیاست‌گذاران مالیاتی، مقامات دولتی و دستگاه‌های نظارتی به دلیل تبیین چگونگی ارتباط بین این متغیرها مفید باشد.

واژگان کلیدی: گریز مالیاتی، کیفیت افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی، معادلات هم‌زمان

۱ - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی و نماینده دفتر مدیریت عملکرد اداره بازرسی کل استان کرمانشاه

۲ - کارشناس ارشد حسابداری - tahmasebisaeid@gmail.com

مقدمه

از دیدگاه اقتصادی، درآمد مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت‌ها در تأمین بودجه بوده و موجبات دستیابی به اهداف کلان اقتصادی را فراهم می‌آورد (فلاحی و دیگران، ۱۳۸۵). از دیدگاه مدیریتی نیز، حداکثر ساختن ثروت سهامداران یکی از فرض‌های اساسی مدیریت مالی است. براساس این فرض، مدیریت باید از یک طرف عایدات شرکت را افزایش و از طرف دیگر ریسک شرکت را کاهش دهد. وجود مالیات بر درآمد شرکت موجب کاهش عایدات آتی شرکت می‌گردد. بنابراین، یکی از اقداماتی که می‌تواند باعث افزایش ارزش شرکت و ثروت سهامداران شود، استفاده از راهکارهایی به منظور کاهش مالیات پرداختی شرکت است (هاشمی و مهربانی، ۱۳۸۷). کوشش واحدهای اقتصادی به دلیل پرداخت نادرست مالیات، موجب ایجاد یک سری محدودیت‌ها در درآمد بودجه دولت شده و هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کند (گبویر^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). فرار مالیاتی اثری سوء بر اقتصاد کشور و به تبع آن بر کمیت و کیفیت خدمات اجتماعی ارائه شده توسط دولت دارد. این موضوع همچنین موجب تمرکز ثروت در دست گروه‌های خاص شده و باعث افزایش شکاف طبقاتی و تنش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه می‌شود و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی در بلندمدت لطمه می‌بیند (باقرپور و لاشانی و همکاران، ۱۳۹۱). با قبول تئوری نمایندگی می‌توان موضوع گریز مالیاتی را در دو حالت بررسی کرد. حالت اول به فرض عدم وجود تضاد نمایندگی مربوط می‌شود که بر این اساس گریز مالیاتی ابزاری برای حداکثرسازی ثروت سهام‌داران است و منجر به ایجاد یک محیط شفاف اطلاعاتی می‌گردد. حالت دوم نیز به فرض وجود تضاد نمایندگی مربوط می‌شود که براساس آن گریز مالیاتی منجر به اعمال عدم شفافیت توسط مدیریت شده و ابهام فضای اطلاعاتی را به همراه دارد. به همین دلیل انتظار داریم در صورت وجود تضاد نمایندگی، گریز مالیاتی بر میزان شفافیت و درجه ابهام محیط اطلاعاتی شرکت اثر داشته و کیفیت افشای اطلاعاتی کمتری را به دنبال داشته باشد (چن^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین هانلون و هیتزمن^۳ (۲۰۱۰) معتقدند

1 - Gebauer

2 - Chen

3 - Honlon and Heitzman

که فعالیت‌های جسورانه مالیاتی منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و کاهش کیفیت افشای گزارش‌های مالی به افراد برون‌سازمانی می‌گردد (هانلون و هیتزمان، ۲۰۱۰) و غالباً زیان استفاده‌کنندگان از جمله سازمان مالیاتی را از اطلاعات به دنبال دارد (نیکخواه آزاد و مجتهدزاده، ۱۳۸۷). کاهش شفافیت و کیفیت افشای اطلاعات نیز باعث ایجاد یک شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌شود که همان عدم تقارن اطلاعاتی است (والاس و ناصر، ۱۹۹۵؛ گلستون و میلگرم^۲، ۱۹۸۵؛ والکر^۳، ۱۹۹۵).

این چنین ارتباطی نشان می‌دهد که گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعاتی می‌تواند به طور هم‌زمان بر عدم تقارن اطلاعاتی اثر بگذارد. بر همین اساس پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی ارتباط هم‌زمان متغیرهای فوق بپردازد. اهمیت مطالعه حاضر به این دلیل است که با توجه به تلاش‌های انجام شده در سال‌های اخیر در راستای رفع وابستگی اقتصادی به نفت و تمرکز بر منابع مالیاتی به عنوان راهی برای درآمد دولت، مطالعه تأثیر گریز مالیاتی و ابعاد آن می‌تواند از اولویت اقتصادی و سیاسی برخوردار باشد. همچنین از آنجایی که تاکنون پژوهشی به طور هم‌زمان ارتباط متغیرهای فوق را مورد بررسی قرار نداده است، لذا پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی تأثیر هم‌زمان گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعات بپردازد. به عبارت دیگر این پژوهش درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که ارتباط هم‌زمان بین متغیرهای درون‌زا و برون‌زا در ساختار وابستگی فوق چگونه است؟ انتظار می‌رود تا یافته‌های پژوهش مذکور برای دستگاه‌های نظارتی، سرمایه‌گذاران، مدیران واحدهای تجاری، سیاست‌گذاران مالیاتی، حسابرسان و بورس اوراق بهادار به دلیل اثر فعالیت‌های گریز مالیاتی و ابعاد آن مفید باشد. سرمایه‌گذاران و حسابرسان با درک از چگونگی فعالیت گریز مالیاتی واحدهای تجاری خود می‌توانند کیفیت افشای اطلاعات توسط مدیران را پیش‌بینی کنند؛ و همچنین سیاست‌گذاران مالیاتی و مقام‌های بورس و اوراق بهادار تهران می‌توانند با شناسایی این شرکت‌ها از رعایت الزامات و قوانین آن‌ها مطلع شوند.

1 - Wallace and Nasser

2 - Gleston and Milgrem

3 - Welker

برهمن اساس در ادامه این پژوهش، ابتدا مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته و پس از طرح روش پژوهش، فرضیه‌ها بیان شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش و ارائه پیشنهادها پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گریز مالیاتی

گریز مالیاتی شامل فرار و اجتناب مالیاتی است. فرار مالیاتی، رفتار غیرقانونی عمدی و یا نقض قانون مالیات‌های مستقیم برای پرداخت نکردن مالیات تعریف شده است (دایره بین‌المللی مستندات مالی^۱، ۲۰۰۱). مطالعات قبلی نشان می‌دهد که گزارش کمتر از واقع درآمد، معمول‌ترین روش فرار مالیاتی توسط اشخاص است (ماسون و کلونین^۲، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۴؛ فنشتین^۳، ۱۹۹۱؛ وارما و دووب^۴، ۱۹۹۸). شایع‌ترین دلایل فرار مالیاتی عبارت‌اند از: ۱- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، ۲- مبادله نکردن کامل اطلاعات و نبود نظام نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، ۳- تشخیص علی‌الرأس و ضعف در اجرای آن، ۴- فقدان الزامات قانونی یا ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی، ۵- عدم ظهور نمودهای پرداخت مالیات در جامعه، ۶- نشناختن مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمدهای ایشان به خصوص در بخش مالیات مشاغل و ۷- وجود معافیت‌های وسیع، متنوع و نابرابر (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل اجتناب از پرداخت مالیات، تقلیل بدهی مالیاتی بدون تخلف از قوانین مالیاتی تعریف شده است (دایره بین‌المللی مستندات مالی، ۲۰۰۱). فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات، هر دو به منظور گریز از پرداخت مالیات انجام می‌شود؛ اما تفاوت اساسی این دو، آن است که اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است در حالی که فرار مالیاتی رفتاری غیرقانونی است. به عبارت دیگر فرار مالیاتی یک نوع تخلف از قانون است، اما اجتناب از مالیات ناشی از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها است. در اجتناب از پرداخت مالیات فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات دنبال راه‌های گریز می‌گردد (موسوی جهرمی و

1 - International Bureau of Fiscal Documentation

2 - Mason and Calvin

3 - Feinstein

4 - Varma and Doob

همکاران، ۱۳۸۸). به‌عنوان مثال، فرض کنید که برای فروش تجهیزاتی مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده برای پرداخت مالیات کمتر، تجهیزات کمتری بفروشد رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است؛ لیکن اگر همین فروشنده میزان فروش خود را کمتر از مقدار واقعی به اداره مالیات گزارش کند، رفتار وی فرار از مالیات قلمداد می‌شود؛ به‌هرصورت از لحاظ نظری خط مشخصی برای نشان دادن تمایز بین فرار مالیاتی قانونی و غیرقانونی وجود ندارد (کولیچ^۱، ۲۰۰۵).

کیفیت افشای اطلاعات

از سوی دیگر افشای اطلاعات در حسابداری به معنای ارائه اطلاعات مالی است (هندریکسن و ونبردا^۲، ۱۹۹۲). بلکویی (۲۰۰۰)، افشا را دربرگیرنده اطلاعاتی می‌داند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع شود و موجب گمراهی خواننده نگردد. به عبارتی دیگر، اصل افشا بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهم مورد توجه و علاقه سرمایه‌گذار معمولی، نباید حذف و یا پنهان شود (بلکویی، ۲۰۰۰). همچنین اصطلاحات «کیفیت» افشای اطلاعات حسابداری و «شفافیت» افشای اطلاعات، مترادف بوده و جایگزین یکدیگر قلمداد می‌شوند. اگرچه ارائه تعریف دقیق از «شفافیت» و «کیفیت افشا» که بر آن اجماع وجود داشته باشد دشوار است ولی هابکینز^۳ (۱۹۹۶) کیفیت افشا را سهولت مطالعه و تفسیر صورت‌های مالی توسط سرمایه‌گذاران تعریف نموده است. همچنین به عقیده کردستانی و علوی (۱۳۸۹) منظور از کیفیت افشا همان وضوح اطلاعات است.

عدم تقارن اطلاعاتی

آکرلف^۴ (۱۹۷۰) با ارائه نظریه‌ای تحت عنوان بازار «لمونها» یا «اجناس بنجل»، توجه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اقتصادی را به مسأله عدم تقارن اطلاعات در طرف مشتری و فروشنده و نیز تبعات آن جلب نمود. عدم تقارن اطلاعاتی در نهایت نتیجه‌ای جز ناکارآمد بودن بازارها ندارد. ریشه و پایه نظریه مذکور بر این اصل استوار است که در یک معامله، چنانچه یکی از طرفین از شرایط واقعی

1 - Kulić

2 - Hendriksen and Venberoda

3 - Hobkins

4 - Akerlof

کالاهای مورد نظر آگاهی نداشته باشد، طرف دوم می‌تواند سود بیشتری کسب نماید. در چنین شرایطی، گونه‌ای از نبود اطمینان و عدم قطعیت بر فضای معامله حاکم خواهد شد که در نهایت به تضعیف جریان بازار یا به عبارت دیگر شکست بازار می‌انجامد.

ولتون^۱ (۲۰۰۵) در توصیف این شرایط بیان می‌دارد که نقص یا نابرابری اطلاعاتی مدنظر «آکرلف»، به «انتخابی ناصحیح» منتهی می‌شود که خود از کارایی اجتماعی بازار می‌کاهد؛ بنابراین فارغ از تمام موارد مطرح شده می‌توان بیان نمود که کمبود اطلاعات از جانب حداقل یکی از طرفین معامله شرایطی از عدم اطمینان را در افراد به وجود می‌آورد که در نهایت به بروز برخی ناکارایی‌ها در بازار منتهی می‌گردد، در کل، عدم تقارن اطلاعاتی به حالتی اطلاق می‌شود که یکی از طرفین مبادله‌کننده کمتر از طرف دیگر در مورد کالا یا وضعیت بازار، اطلاعات داشته باشد، به عبارت دیگر توزیع اطلاعات بین کلیه استفاده‌کنندگان از اطلاعات ناهمسان است.

عدم تقارن اطلاعات میان مدیریت و افراد برون‌سازمانی نظیر سرمایه‌گذاران یکی از مسائل بارز در حوزه‌های مختلف از جمله بازار سرمایه است. عدم تقارن اطلاعاتی به بیان ساده حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران می‌باشد. عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت عدم تقارن اطلاعاتی است (آمبرس و بین^۲، ۲۰۰۹).

ارتباط گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات

قبول فرض وجود مالیات در تحلیل‌های مالی این قاعده کلی که بازارهای مالی کامل قلمداد می‌شوند را نقض کرده و سبب می‌گردد که اصولاً بازارهای مالی ناقص در نظر گرفته شوند (دسای و دارماپالا^۳، ۲۰۰۶). براساس فرض ناقص بودن بازارها مدیران می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و عملیاتی خود به طور جداگانه بر ارزش شرکت اثر بگذارند. با در نظر گرفتن فرض دسای که مالیات را یک مسئولیت اجتناب‌ناپذیر می‌داند، تصمیمات مالی و عملیاتی که دارای

1 - welton

2 - bian and Ambrose

3 - Desai and Dharmapala

اثرات مالیاتی متفاوتی هستند و از هم جدا در نظر گرفته می‌شوند موجب کنار گذاشته شدن فرض ناقص بودن بازار می‌گردد. بر همین اساس بحث گریز مالیاتی و چگونگی مدیریت و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی در راستای کاهش بدهی‌های مالیاتی یکی از موضوع‌های مهم برای مدیران مالی شرکت‌ها تلقی می‌گردد. بدیهی است که اگر مزایای مالیاتی را با گریز مالیاتی در نظر بگیریم باید برای آن هزینه‌هایی را بپردازیم. به طور مثال مدیران واحدهای تجاری که در صدد انجام فعالیت‌های گریز مالیاتی هستند باید متحمل هزینه‌هایی گردند. در واقع در ادبیات حسابداری این هزینه‌ها تحت عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعاتی مطرح می‌شوند. به عبارتی مدیران با انجام اقدامات گریز مالیاتی، فضا را برای ایجاد ابهام اطلاعاتی فراهم می‌کنند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). در ادبیات حسابداری، نظریه‌های متفاوتی در رابطه با این دیدگاه که «گریز مالیاتی منجر به افزایش منافع سهام‌داران می‌شود» وجود دارد. یکی از نظریه‌های کلاسیک در این رابطه بیان می‌دارد: از آنجایی که مدیران با اعمال فعالیت‌های گریز مالیاتی، مالیات پرداختی خود را کم می‌کنند موجب افزایش منافع سهام‌داران شده و ارزش شرکت را افزایش می‌دهند. در مقابل با قبول این که شرکت مجموعه‌ای از قراردادهاست انتظار داریم که مدیران با انجام فعالیت‌های گریز مالیاتی، یک محیط مبهم اطلاعاتی را ایجاد کرده و دست به صرفه‌جویی‌های مالیاتی و رانت‌های خود زده و منفعت‌طلبی‌های خود را دنبال نمایند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، گریز مالیاتی، پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیت‌های مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این اقدام، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه کرده و در نهایت این کار باعث ایجاد ابهام محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد؛ اما در سال‌های اخیر برخلاف دیدگاه اول که بر مبنای تئوری نمایندگی بود نتایج تعدادی از تحقیقات عکس این قضیه را نشان داده است. چن و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که ممکن است واحدهای تجاری که اجتناب مالیاتی بیشتری دارند، افشای خود را برای از بین بردن ابهام اطلاعاتی خود بیشتر کنند. بر این اساس انتظار می‌رود که سازوکارهایی از قبیل حاکمیت شرکتی و ساختار فامیلی شرکت‌ها که سبب تضاد نمایندگی شوند، این ارتباط معکوس را تعدیل کرده و در نتیجه گریز مالیاتی باعث افشای اطلاعاتی بیشتر گردد (چن و همکاران، ۲۰۰۹).

ارتباط بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی

هرمالین و ویس بچ^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود اشاره کردند که اگر بپذیریم در شرکتی شفافیت و افشا یکی از اجزای اساسی سیستم راهبری است پس افشا می‌تواند منجر به ارائه اطلاعاتی مفید در خصوص نحوه اداره شرکت برای ذی‌نفعان شود (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸). همچنین اگر بپذیریم که هدف نظام راهبری شرکتی، کسب اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت طلبانه مدیران و همچنین روابط بنگاه با ذی‌نفعان است این امر به واسطه شفافیت و افشای اطلاعات امکان پذیر خواهد بود که در نهایت می‌تواند به کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین مدیر (نماینده) و ذی‌نفعان مختلف (سهام‌داران، اعتباردهندگان) بیانجامد (اسکات^۲، ۲۰۰۳). مطالعات زیادی این قضیه را اثبات کرده که یک رابطه منفی بین کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد. به عبارتی کیفیت پایین اطلاعاتی منجر به ایجاد یک شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌گردد. پژوهش‌های تجربی در آمریکا نیز بیانگر این موضوع است که افشای اطلاعاتی محدود برای عموم عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش داده و دسترسی شرکت به تأمین مالی بیرونی با هزینه کم را دشوار می‌سازد. فرانسیس^۳ و همکاران (۲۰۰۵)، ولکر^۴ (۱۹۹۵)، لانگ و لاندهلیم^۵ (۱۹۹۳)، گلستون و میلگرم (۱۹۹۵)، باری و براون^۶ (۱۹۸۴)، مرتون^۷ (۱۹۸۷)، دیاموند و ویریشیا^۸ (۱۹۹۱) و کیم^۹ و ویریشیا (۱۹۹۴) نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸). لانگ و لاندهلیم (۱۹۹۶) نیز در پژوهش خود به این موضوع اذعان کردند که پیش‌بینی تحلیل‌گران شرکت‌هایی که سیاست افشای پایین‌تری دارند ناصحیح‌تر و با واقعیت فاصله بیشتری دارد و همچنین کاهش افشای اختیاری نقد شوندگی سهام شرکت‌ها را کاهش داده و سرمایه‌گذاران تمایل کمتری نسبت به خرید سهم آن شرکت پیدا

1 - and Weisbach Hermalin

2 - Scot

3 - Francis

4 - Welker

5 - Lang and Lundholm

6 - Barry and Brown

7 - Mereton

8 - Diamond and verecchia

9 - Kim

خواهند کرد (لانگ و لاندهلیم، ۱۹۹۶).

به‌رغم وجود پژوهش‌های گسترده در خارج کشور، در ایران پژوهش‌های اندکی درباره تأثیر هم‌زمان گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی انجام شده است. همچنین تحقیقی که در داخل و خارج کشور ارتباط هم‌زمان بین متغیرهای فوق را مورد بررسی قرار دهد وجود ندارد. بر همین مبنا در ادامه تعداد محدودی از تحقیقات مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

بالاکریشنان و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. آنان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌ها با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند. چن و همکاران (۲۰۰۹) به مطالعه رابطه بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری شرکت بر مبنای تئوری نمایندگی پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب مالیاتی استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچه میزان اجتناب مالیاتی بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر بوده و از شفافیت کمتری برخوردارند.

چانگ^۲ و همکارانش (۲۰۰۸) در مورد تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی دریافتند که کیفیت افشا می‌تواند به عنوان برنامه‌های کارآمد، چگونگی ارتباط با سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد؛ یعنی می‌تواند بر موقعیت افشای شرکت، چگونگی توجه تحلیل‌گران به شرکت، جذب سرمایه‌گذاران نهادی، بهبود درک عمومی، کاهش هزینه سرمایه و در نهایت گزارش‌دهی و افزایش استانداردهای افشا بیانجامد. نتایج نشان می‌دهد که شکاف قیمتی به صورت منفی با افشای اطلاعات در ارتباط است.

1 - Balakrishnan, et al.

2 - Chang

به بیان دیگر، عدم تقارن اطلاعاتی که از طریق شکاف قیمتی بین عرضه و تقاضا تعیین شده با افزایش کیفیت افشا، کاهش می‌یابد. فرضیه کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مؤثر است.

براون و هایلجیست^۱ (۲۰۰۷) به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت افشا به طور معکوس به عدم تقارن اطلاعات مرتبط است. همچنین بین کیفیت افشا و میزان معاملات سهامدارانی که دسترسی به اطلاعات محرمانه دارند، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. علاوه بر آن با توجه به یافته‌های قبلی مبنی بر اینکه هزینه سرمایه با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش می‌یابد نتایج بیانگر آن است که شرکت‌های با کیفیت افشای بیشتر هزینه سرمایه پایین‌تری دارند و در نتیجه عدم تقارن بیشتری دارند.

فخاری و طهماسبی خورنه (۱۳۹۵) به بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها با استفاده از معادلات هم‌زمان (3SLS)^۲ پرداختند. آن‌ها برای این منظور، تعداد ۱۰۴ نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ (۵۲۰ سال شرکتی) انتخاب کرده و با استفاده از روش سیستم معادلات هم‌زمان ارتباط متقابل بین آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش ایشان نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا، رابطه متقابل و منفی وجود دارد.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر شفافیت گزارشگری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری به ترتیب نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی بود. نمونه آماری تحقیق شامل ۷۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ بود. نتایج حاکی از تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم

1 - Brown and Hillegeist

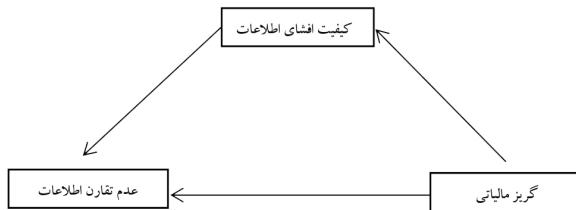
2 - Three - Stage Least Squares

پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری شرکت می‌شود.

قائمی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها بیان می‌کنند یکی از عوامل مؤثر بر روند قیمت سهام شرکت‌ها نشانه‌ها و علائمی است که به صورت اطلاعات و پیش‌بینی‌های مختلف از داخل آن شرکت‌ها در دسترس سرمایه‌گذاران و سهامداران قرار می‌گیرد. از جمله اطلاعات منتشر شده از سوی شرکت‌ها، اطلاعات سود برآوردی هر سهم برای سال مالی آینده است.

مدل مفهومی

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، مدل مفهومی پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:



نمودار (۱) مدل مفهومی پژوهش (حاصل تلفیق دو پژوهش بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۲) و براون و

هایلیجیست (۲۰۰۷)

فرضیه‌ها

مستند به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، می‌توان گفت که گریز مالیاتی به طور مستقیم و هم‌زمان به همراه کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر دارد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر قابل طرح است.

فرضیه اول: گریز مالیاتی بر کیفیت افشای اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه دوم: کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تأثیر دارد.

فرضیه سوم: گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تأثیر دارد.

۱. روش شناسی پژوهش

این پژوهش جزء پژوهش های تجربی و کاربردی می باشد. همچنین از نظر جمع آوری داده پژوهشی توصیفی - رگرسیونی است که برای تحلیل داده ها از معادلات هم زمان عطفی و روش رگرسیون ترکیبی استفاده شده است.

در این پژوهش جامعه آماری شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور ایجاد هماهنگی میان اعضای جامعه در ارتباط با داده های مورد نیاز پژوهش، از ویژگی های زیر به عنوان ویژگی مشترک نمونه انتخابی استفاده شده است:

- به دلیل قابل مقایسه بودن و همچنین همگنی و تعمیم نتایج، سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

- شرکت های نمونه انتخابی تا آنجا که ممکن است صنایع مختلف را پوشش دهند.

- صورت های مالی و یادداشت های توضیحی آنها به طور کامل در دسترس باشد.

- طی سال های ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداشته اند.

- با توجه به معیار گریز از پرداخت مالیات که از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دست می آید شرکت هایی انتخاب شدند که سود آور بودند.

- سهام آنها در طول دوره ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ بیشتر از سه ماه توقف معاملاتی نشده باشند.

بنابر محدودیت های بالا نمونه ای با ۵۲۰ مشاهده (شرکت - سال) انتخاب گردیده که شامل ۱۰۴

شرکت برای ۵ سال مالی است.

برای آزمون فرضیه ها از مدل معادلات هم زمان عطفی (بازگشتی) و رگرسیون ترکیبی استفاده شده است. در سیستم معادلات هم زمان چند متغیر وابسته وجود دارد که بین آنها نیز وابستگی وجود دارد؛ بنابراین بایستی چند معادله یا یک سیستم معادلات برای آنها تعریف کنیم. سیستم معادلات

عطفی، نوع خاصی از سیستم معادلات هم‌زمان است که در آن رابطه دوسویه بین متغیرهای درون‌زا وجود ندارد. در واقع علی‌رغم آن‌که تحت عنوان معادلات هم‌زمان مطرح می‌شوند، ولی عملاً رابطه متقابلی وجود نخواهد داشت به‌عنوان مثال Y_{it} تابعی از Y_{jt} است ولی عکس آن برقرار نیست. در سیستم معادلات بازگشتی نظم خاصی برقرار است، بدین صورت که Y_1 فقط تابعی از متغیرهای برون‌زا است، Y_2 تابعی از متغیرهای برون‌زا و Y_1 است، Y_3 تابعی از متغیرهای برون‌زا و Y_1 و Y_2 است، Y_4 تابعی از متغیرهای Y_1 و Y_2 و Y_3 است و $Y_M \dots$ نیز تابعی از متغیرهای $(Y_{M-1}$ و Y_2 و Y_1) می‌باشد (سوری، ۱۳۹۱).

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

برای آزمون فرض‌های اول و دوم که با هدف بررسی تأثیر هم‌زمان گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی مطرح گردیده است از مدل‌های ۱ و ۲ به‌طور هم‌زمان استفاده می‌شود:

$$\begin{cases} \text{Disc}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{TaxNon}_{i,t} + \alpha_2 \text{Size}_{i,t} + \alpha_3 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} (1) \\ \text{AsyInf}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Disc}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} (2) \end{cases}$$

و در نهایت برای آزمون فرض سوم که باهدف بررسی تأثیر مستقیم گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی طرح گردیده است از مدل (۳) استفاده می‌شود:

$$\text{AsyInf}_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 \text{TaxNon}_{i,t} + \gamma_2 \text{Size}_{i,t} + \gamma_3 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} (3)$$

از آنجایی‌که روش این پژوهش از برآورد مدل معادلات هم‌زمان است، لذا متغیرها به دودسته درون‌زا و برون‌زا تقسیم می‌شوند:

متغیرهای درون‌زا

کیفیت افشا (Disc) در این پژوهش، امتیازهای تعلق‌گرفته به هر شرکت است که به‌وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه «رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب منتشر می‌شود». امتیاز اطلاع‌رسانی ناشران، براساس زمان ارائه اطلاعات مربوط به پیش‌بینی درآمد هر سهم، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی‌نشده ۳، ۶ و ۹ ماهه، اظهارنظر حسابرس

نسبت به پیش‌بینی درآمد هر سهم اولیه و ۶ ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۶ ماهه، صورت‌های مالی حسابرسی نشده پایان سال و تفاوت بین پیش‌بینی‌ها و عملکرد واقعی حسابرسی شده، محاسبه شده است. ضمناً در صورت عدم ارائه به موقع صورت‌های مالی حسابرسی شده پایان سال و زمان بندی پرداخت سود سهامداران، امتیاز منفی به ازای هر روز تأخیر در نظر گرفته شده است» (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶). در واقع نمره افشای شرکتی توسط بورس اوراق بهادار تهران بر عدد صد تقسیم شده است (فخاری و طهماسبی خورنه، ۱۳۹۵).

مزایا و دلایل استفاده از این معیار سنجش کیفیت افشا به شرح زیر است:

(۱) امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌ها توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی از قبیل زمان ارائه اطلاعات مربوط و تفاوت پیش‌بینی‌ها با نتایج واقعی محاسبه شده است؛ بنابراین معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است.

(۲) برخلاف پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران، معیار مذکور فقط به کمیت افشا توجه نمی‌کند بلکه به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

عدم تقارن اطلاعاتی

از مدل ارائه شده توسط وینکاتاش و چیانگ (۱۹۸۶) استفاده شده است. با استفاده از این مدل می‌توان دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را تعیین نمود. این مدل به شرح زیر است (قائم‌ی و وطن پرست، ۱۳۸۴):

$$\text{InfAsy}_{i,t} = \frac{(AP-BP)}{(AP+BP)/2} \quad (4)$$

InfAsy: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در دوره t

AP: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

روند محاسبه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، بدین صورت است که ابتدا

داده‌های روزانه مربوط به قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام برای هریک از شرکت‌های نمونه، در طول سال استخراج و سپس برای روزهایی از سال که معیارهای زیر صادق باشند « بیشترین قیمت پیشنهادی خرید «به‌عنوان» بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام «آن روز» کمترین قیمت پیشنهادی فروش «به‌عنوان» بهترین قیمت پیشنهادی فروش «تعیین گردیده است.

متغیرهای برون‌زا

گریز مالیاتی (TaxNon) که به صورت «هرگونه کاهش در پرداخت مالیات‌ها» تعریف می‌شود. برای محاسبه گریز مالیاتی از معیارهای متفاوتی استفاده می‌شود. در این پژوهش از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات به مجموع دارایی‌ها استفاده می‌گردد و به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بردارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است که از طریق رابطه (۳) به دست می‌آید (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵):

$$\text{TaxNon}_{i,t} = |(Accinc_{i,t} - Taxinc_{i,t}) / ASS_{i,t-1}| \quad (5)$$

$\text{TaxNon}_{i,t}$: تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

$Accinc_{i,t}$: سود حسابداری شرکت i در سال t

$Taxinc_{i,t}$: سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

$ASS_{i,t-1}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

متغیر اندازه شرکت (size) به عنوان یکی از متغیرهای برون‌زای دیگر در نظر گرفته شده است و از لگاریتم طبیعی دارائی‌ها به عنوان معیاری برای کمی کردن آن استفاده شده است. همچنین اهرم مالی (Lev) نیز متغیر برون‌زا دیگر این پژوهش است و با تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود.

۲. تحلیل یافته‌ها

آمار توصیفی

همان‌گونه که از جدول (۱) مشخص است مقدار صفرگیز مالیاتی نشان دهنده شرکت‌هایی از نمونه است که بین سود حسابداری و سود مشمول مالیاتی آن‌ها تفاوتی وجود نداشته است. میانگین کیفیت افشا از میانه آن کمتر است که بیانگر این موضوع است که کیفیت اطلاعات شرکت‌های بورسی کم است. همچنین کمترین و بیشترین انحراف معیار به ترتیب مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی و اندازه می باشد که بیانگر این موضوع است که اکثر شرکت‌های بورسی دارای عدم تقارن اطلاعاتی هستند و شرکت‌های نمونه در این پژوهش در اندازه‌های مختلف پراکندگی زیادی دارند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
گیز مالیاتی	۰,۰۸۶۷	۰,۰۴۷۲	۰,۷۷۵۶	۰,۰۰۰۰	۰,۱۱۷۸
کیفیت افشا	۰,۷۴۹۶	۰,۸۱	۱,۰۰۰۰	۰,۰۷۰۰	۰,۱۷۰۸
عدم تقارن اطلاعاتی	۰,۰۲۲۵	۰,۰۲۲۷	۰,۰۶۱۸	۰,۰۰۳۶	۰,۰۰۹۶
اقدام تعهدی	-۰,۱۲	-۰,۱۰۳	۰,۸۸	-۰,۷۶	۰,۲۱۱۱
اندازه شرکت	۶,۱۱۱۷	۶,۰۲۳۴	۸,۲۵۵۶	۴,۹۱۳۷	۰,۶۴۳۷
اهرم مالی	۰,۵۶۷۹	۰,۵۸۴۸	۰,۹۷۴۵	۰,۰۸۹۱	۰,۱۸۴۳

همبستگی بین متغیرها

مطالعه همبستگی ابزاری آماری است که به وسیله آن می توان درجه ای را که یک متغیر با متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط می شود، اندازه گیری کرد. در یک مدل رگرسیون چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی (در این پژوهش، اندازه و اهرم مالی به نوعی متغیر کنترلی محسوب می شوند) زیاد باشد، ممکن است منجر به مخدوش شدن نتایج شود. منظور از همبستگی بالا، همبستگی شدید یعنی بیش از ۵۰٪ می باشد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود بین متغیرهای مستقل و کنترلی

همبستگی بیشتر از ۵۰٪ وجود ندارد، بنابراین مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. (بالتاجی، ۲۰۰۵). همچنین vif متغیرهای مستقل از آنجایی که کمتر از ۱۰ است بیانگر نبود هم خطی بین متغیرهای توضیحی است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرها

متغیر	گریز مالیاتی	کیفیت افشا	عدم تقارن اطلاعات	اندازه شرکت	اهرم مالی
گریز مالیاتی	۱	-۰٫۱۲۵۷	۰٫۱۳۵۸	۰٫۱۷۸۵	-۰٫۴۹۴۰
کیفیت افشا	-۰٫۱۲۵۷	۱	-۰٫۱۰۸۵	-۰٫۱۳۸۴	-۰٫۱۸۰۴
عدم تقارن اطلاعات	۰٫۱۳۵۸	-۰٫۱۰۸۵	۱	۰٫۲۵۶۱	-۰٫۰۹۹۰
اندازه شرکت	۰٫۱۷۸۵	-۰٫۱۳۸۴	۰٫۲۵۶۱	۱	-۰٫۰۷۷۳
اهرم مالی	-۰٫۴۹۴۰	-۰٫۱۸۰۴	-۰٫۰۹۹۰	-۰٫۰۷۷۳	۱

نتایج آزمون فرضیه یک

فرضیه اول با هدف بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طرح گردیده است. همان‌گونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، گریز مالیاتی تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات شرکتی دارد؛ یعنی در واقع در شرکت‌های بورسی با افزایش گریز مالیاتی، کیفیت افشای اطلاعات شرکتی کاهش می‌یابد. ضریب این تأثیر ۰٫۶۲۷۰- است. همچنین تأثیر متغیر اندازه شرکتی و اهرم مالی بر کیفیت افشای شرکتی منفی و معنادار می‌باشد؛ یعنی با افزایش اندازه شرکت و نسبت بدهی‌ها، کیفیت افشای اطلاعاتی کاهش می‌یابد. دوربین واتسون این معادله نیز ۲٫۰۲ است و از آنجا که بین ۱٫۵ و ۲٫۵ است بیانگر این موضوع است که بین متغیرها خودهمبستگی وجود ندارد. همچنین از آنجایی که مقدار vif متغیرها در معادله کمتر از ۱۰ است، بیانگر این موضوع است که بین متغیرهای مشکل هم خطی وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: کیفیت افشا					
vif	معناداری	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
-	۰,۰۰۰۰	۵,۴۹۹۴	۰,۲۵۲۲	۱,۳۸۷۲	مقدار ثابت
۱,۱۴۸۰	۰,۰۰۵۴	-۲,۷۸۸۸	۰,۲۲۴۸	-۰,۶۲۷۰	گریز مالیاتی*
۱,۰۱۶۲	۰,۰۲۷۴	-۲,۲۰۸۲	۰,۰۳۸۸	-۰,۰۷۵۸	اندازه شرکتی**
۱,۱۳۵۸	۰,۰۰۰۱	-۳,۸۵۶۶	۰,۱۴۷۲	-۰,۵۶۷۷	اهرم مالی*
۰,۳۸۸۵	ضریب تعیین تعدیل شده		۲,۰۲۹۱	دوربین واتسون	

* معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد

نتایج آزمون فرضیه دو

فرضیه دوم این پژوهش نیز به منظور بررسی تأثیر کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مطرح گردیده است. نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که کیفیت افشای اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری را دارد. به عبارت دیگر با کاهش کیفیت افشای اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد. همچنین اندازه شرکتی تأثیر مثبت و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد؛ اما اثر اهرم مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی منفی و معنادار مشاهده شده است. دوربین واتسون این معادله نیز ۱/۹۶۴۳ است و از آنجا که بین ۱/۵ و ۲/۵ است بیانگر این موضوع است که بین متغیرها خودهمبستگی وجود ندارد. همچنین از آنجایی که مقدار vif متغیرها در معادله کمتر از ۱۰ است، بیانگر این موضوع است که بین متغیرها، مشکل هم خطی وجود ندارد.

متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی					
vif	معناداری	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
-	۰,۰۰۰۴	-۳,۵۵۹۶	۰,۲۶۳۱	-۰,۹۳۶۸	مقدار ثابت
۱,۸۸۴۷	۰,۰۲۳۴	-۱,۵۴۱۸	۰,۰۴۱۰	-۰,۰۶۳۳	کیفیت افشا**
۱,۵۴۶۹	۰,۰۰۰۰	۶,۶۷۷۹	۰,۰۳۹۴	۰,۲۶۳۳	اندازه شرکتی*
۱,۱۲۰۲	۰,۰۵۴۵	-۱,۹۲۵۳	۰,۱۳۴۱	-۰,۲۵۵۸۲	اهرم مالی**
۰,۲۹۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۱,۹۶۴۳	دوربین واتسون	

جدول ۰۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

* معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد

نتایج آزمون فرضیه سوم

و در نهایت برای بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی از رگرسیون ترکیبی استفاده شده است؛ یعنی تأثیر گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از داده‌های پانل مورد تحلیل قرار گرفته که نتایج به دست آمده از رگرسیون ترکیبی در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده سطح معناداری آزمون چاو زیر ۰/۰۵ است بنابراین برای برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شده است. همچنین سطح معناداری مربوط به آزمون هاسمن زیر ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثرات ثابت استفاده شود. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود گریز مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری در سطح ۹۵ درصد بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد؛ یعنی با افزایش گریز مالیاتی در شرکت‌های بورسی، عدم تقارن اطلاعاتی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری با ضریب ۱,۴۴۴۷ بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد؛ اما تأثیر اهرم مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی

منفی و معنادار مشاهده شده است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده در جدول ۵ برابر با ۲,۲۶ است و از آنجایی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۱,۵ تا ۲,۵ است بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقیمانده‌ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد. همچنین از آنجایی که مقدار vif متغیرها در معادله کمتر از ۱۰ است، بیانگر این موضوع است که بین متغیرها، مشکل هم خطی وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

$Asyinf_{i,t} = \delta_0 + \delta_1 Tax Avoid_{i,t} + \delta_2 Size_{i,t} + \delta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
vif	معناداری	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
-	۰,۰۰۰۰	-۹,۶۷۹۸	۰,۶۲۵۶	-۰,۰۵۶۶	مقدار ثابت
۱,۱۵۶۱	۰,۰۴۵۳	۰,۱۹۵۱	۰,۲۴۲۱	۰,۰۴۷۲	گریز مالیاتی**
۱,۰۱۶۱	۰,۰۰۰۰	۱۱,۲۶۴۹	۰,۱۰۱۶	۱,۱۴۴۷	اندازه شرکتی*
۱,۱۴۶۲	۰,۰۰۰۵	-۳,۴۷۸۸	۰,۲۲۸۹	-۰,۷۹۶۵	اهرم مالی*
۰,۴۶۱۹	ضریب تعیین تعدیل شده		۲,۲۶۱۶	دوربین واتسون	
۰,۰۰۰۰	احتمال آماره F		۵,۹۹۹۹	آماره F	
۰,۰۰۰۰	آزمون هاسمن		۰,۰۰۰۰	آزمون چاو	

* معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تأثیر گریز مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های بورسی به صورت هم‌زمان (با روش معادلات هم‌زمان به روش عطفی) و همچنین تأثیر مستقیم گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی (با روش رگرسیون مقطعی) پرداخته شد. به این منظور از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار گریز مالیاتی، نمره افشای سازمان بورس

اوراق بهادار به عنوان معیار کیفیت افشای اطلاعات و دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که گریز مالیاتی تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی ایران دارد و همچنین هم‌زمان کیفیت افشای اطلاعات نیز تأثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعات داشته و اما تأثیر مستقیم گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی مثبت مشاهده گردیده است. به عبارت دیگر در شرکت‌های ایرانی با افزایش گریز مالیاتی، کیفیت افشای اطلاعات کاهش می‌یابد و کیفیت پایین افشای اطلاعات نیز به نوبه خود باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود؛ و بدین طریق گریز مالیاتی منجر به خاکستری کردن فضای اطلاعاتی منتشر شده از سوی واحدهای تجاری می‌شود. این بدان معناست که گریز مالیاتی هم به طور مستقیم و هم هم‌زمان (به همراه کیفیت) بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر می‌گذارد. در توجیه این ارتباط می‌توان گفت که مدیران شرکت‌هایی که دست به فعالیت‌های گریز مالیاتی می‌زنند با اعمال معاملات و فعالیت‌های پیچیده، فضای اطلاعاتی واحد تجاری را مبهم کرده و سعی در گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌نمایند. این کار سبب ایجاد یک شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی شده و بدین ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بالا کریشنان و همکاران (۲۰۱۲)، چن و همکاران (۲۰۰۹)، چانگ و همکارانش (۲۰۰۸)، براون و هایلیجیست (۲۰۰۷)، فخاری و طهماسبی خورنه (۱۳۹۵)، پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) و قائمی و همکاران (۱۳۸۴) که هر کدام از آن‌ها به نوعی جزئی از این پژوهش را انجام دادند همخوانی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد داد که با الزام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به رعایت معیارهای افشا و شفافیت، علاوه بر کمک به بازار سرمایه ایران در راستای تطابق با استانداردهای بین‌المللی، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شوند. همچنین دستگاه‌های نظارتی روابط بین گریز مالیاتی و فضای اطلاعاتی ایجاد شده از جانب واحدهای تجاری را مورد توجه قرار دهند.

در مورد پژوهش‌های آتی به محققان پیشنهاد می‌شود در رابطه بین گریز مالیاتی و کیفیت شفافیت

و افشا با عدم تقارن اطلاعاتی، از سایر معیارها استفاده کنند و یا با استفاده از معادلات ساختاری به بررسی این موضوع بپردازند.

۴. محدودیت پژوهش

یافته‌های این پژوهش با توجه به دسترسی داده‌ها و شرایط نمونه‌گیری ذکر شده در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گردیده است، لذا در مورد تعمیم نتایج به سایر شرکت‌های بورسی و غیربورسی باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

فهرست منابع

۱. باقرپور ولاشانی، محمدعلی؛ باقری، مصطفی؛ خادم، حمید و حسینی‌پور، رضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر گریز مالیاتی با استفاده از تکنیک داده‌کاوی: صنعت خودرو و ساخت قطعات»، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۱۲۸-۱۰۳.
۲. پورحیدری، امید و فدوی، محمدحسن (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه اجتناب مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۸۵-۶۹.
۳. حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت»، سال چهارم، شماره یک، صص ۲۲۸-۲۰۹.
۴. سوری، علی، اقتصادسنجی همراه با کاربرد نرم‌افزار اویوز، انتشارات فرهنگ شناسی، ۱۳۹۱، صص ۳۵۵-۶۷.
۵. طهماسبی خورنه، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی، کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
۶. فخاری، حسین و طهماسبی خورنه، سعید (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان (SLS)»، پژوهشنامه مالیات، سال ۲۴، شماره سی‌ودو، صص ۱۰۱-۱۱۹.
۷. فرشکاران، محمد (۱۳۸۸)، «طرح جامع مالیاتی؛ جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش عدالت اجتماعی». تکفا، سال هفتم، شماره اول و دوم، اردیبهشت و خرداد.
۸. فلاحی، محمدعلی و خالوزاده، حمید و حمیدی علمداری، سعیده (۱۳۸۵). «الگوسازی غیرخطی و پیش‌بینی درآمدهای مالیات بر مشاغل در ایران) کاربرد شبکه‌های عصبی مصنوعی و مقایسه آن با الگوهای رگرسیون خطی و سری زمانی». «مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۶، صص ۱۴۳-۱۶۷.
۹. قائمی، محمدحسین و محمدرضا وطن‌پرست (۱۳۸۴). «بررسی نقش اطلاعات حسابداری در

کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران». بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۲ (۴۱). ۸۵-۱۰۳.

۱۰. گجراتی، ادمور (۱۳۸۳)، مبانی اقتصادسنجی، ترجمه دکتر حمید ابریشمی، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۱. مرادی، مهدی؛ باقرپور ولاشانی، محمدعلی و رستمی، امین. (۱۳۹۴). «ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار

۱۲. مرادی، مهدی؛ رستمی، امین و تقی زاده، رضا (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی»، پژوهشنامه مالیات، دوره (۲۱) شماره ۱۸ (صص ۲۰۲-۱۸۱).

۱۳. موسوی جهرمی، یگانه؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد و خاکی، نرگس. (۱۳۸۸). «فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری». فصلنامه تخصصی مالیات، شماره پنجم (مسلول ۵۳)، صص ۳۸-۲۷.

۱۴. نوروش، ایرج و حسینی، سعید (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود، بررسی های حسابداری و حسابرسی»، سال شانزدهم، شماره ۵۵، صص ۱۳۴-۱۱۷

۱۵. نیکخواه آزاد، علی و مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۷۸). «بررسی حوزه های مسئولیت حسابرسان مستقل از دیدگاه استفاده کنندگان خدمات حسابرسی و حسابرسان مستقل». بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۷۰-۵

۱۶. هاشمی، سید عباس و مهربابی، مهدی (۱۳۸۷). «شناسایی عوامل مالیاتی مؤثر بر مزیت استفاده از بدهی برای تأمین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱۵۴-۱۳۷

17. Akerlof, G. Spence, M. & Stiglitz, J. (2001). Markets with Asymmetric information. Committee, Nobel Prize.

18. Ambrose, B. & Bian, X. (2010). Stock market information and REIT earnings

management. *Journal of Real Estate Research*.

19. Balakrishnan, K. Blouin, J. L. & Guay, W. R. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Available at SSRN 1792783.
20. Brown, S. & Hillegeist, S. A. (2007). How disclosure quality affects the level of information asymmetry. *Review of Accounting Studies*, 12 (2-3).
21. Chen, Y. Huang, S. Pereira, R. & Wang, J. (2011). Corporate tax avoidance and firm opacity. Unpublished Working Paper University of Missouri.
22. Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1).
23. Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *The Review of Economics and Statistics*, 91 (3).
24. Feinstein, J. S. (1991). An econometric analysis of income tax evasion and its detection. *RAND Journal of Economics*, 22.
25. Gebauer, A. Nam, C. W. & Parsche, R. (2007). "Can reform models of value added taxation stop the VAT evasion and revenue shortfalls in the EU?". *Journal of Economic Policy Reform*, Vol.10, pp.1-13.
26. Gupta, A. & Rosenthal, L. (1991). Ownership structure, leverage, and firm value: The case of leveraged recapitalizations. *Financial Management*, 69-83.
27. Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2).
28. Hendriksen, E.S. and Van Breda, M.F, *Accounting Theory*, 1992. 5th edition, united states of America: IRWIN.Inc.

29. Hopkins, P. E. (1996). The effect of financial statement classification of hybrid financial instruments on financial analysts' stock price judgments. *Journal of Accounting research*, 33-50.
30. International Bureau of Fiscal Documentation, (2001). *International Tax Glossary* (4th Ed.). Amsterdam, Netherlands: IBFD Publications.
31. Kulić, M, (2005). *Economic and Social Aspects of Tax Evasion*. Faculty of Business Studies, Megatrend University of Applied Sciences, Belgrade.
32. Lang, M. H. & Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *Accounting review*.
33. Mason, R. & L. D. Calvin, (1978). A study of admitted income tax evasion. *Law & Society Review*, 13, 73-89.
34. Mason, R. & L. D. Calvin, (1984). Public confidence and admitted tax evasion. *National Tax Journal*, 37, 489-496.
35. Scott, William R. "Financial Accounting Theory", Printice-Hall." Canada, Toronto, Ontario (2003).
36. Varma, K. N. & A. N. Doob, (1998). Detering economic crimes: The case of tax evasion. *Canadian Journal of Criminology*, 40, 165-184.
37. Wang, X. (2011, August). Tax avoidance, corporate transparency, and firm value. In 2011 American Accounting Association Annual Meeting-Tax Concurrent Sessions
38. Welker, M. (1995). Disclosure Policy, Information Asymmetry, and Liquidity in Equity Markets*. *Contemporary accounting research*, 11 (2).